

خلاصه نکات مهم کتاب تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی - دکتر سید مهدی الوانی

نام درس: تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی - دکتر سید مهدی الوانی رشته مدیریت

دولتی

فصل اول: مفاهیم و ویژگی های خط

مشی عمومی

هدف کلی: آشنایی با تعاریف، مفاهیم و ویژگی های خط مشی عمومی، نقش عمده خط مشی عمومی در جامعه، شناخت انواع خط مشی عمومی.

خط مشی عمومی چیست ؟

خط مشی عمومی، عبارت است از خط مسیر و راهی است که انسان در پیش رود دارد.

خط مشی، در معنی خاص عبارت است از تصمیمات و سیاست هایی که به وسیله مراجع مختلف

بخش عمومی از قبیل: مجلس، دولت و قوه قضائیه اتخاذ می گردد

خط مشی عمومی، اصول کلی است در مورد هدف های نظام و مسئولیت هایی که هر بخش باید عهده دار گردد.

خط مشی عمومی مشخص کننده بایدها و نیایدها در جامعه و سازمانهاست.

خط مشی عمومی، نشان دهنده خطوط کلی در فعالیت ها و اقدامات بخش عمومی است.

خط مشی راهنمای عمل می باشد. و بطور خلاصه می توان گفت: خط مشی عمومی اصول

و موازینی هستند که به وسیله مراجع ذیربط در هر جامعه وضع شده و به عنوان الگو و راهنما

، اقدامات و فعالیتهای جامعه را رهبری می کنند.

نقش های اصلی خط مشی عمومی

خط مشی عمومی، سازمانها را در انجام اقدامات و برنامه هایشان مدد می دهد و هادی آنان

در عملیاتشان می باشد.

خصوصیت دیگر خط مشی عمومی، نقش هماهنگ کننده آن است (عملیات و اقدامات

سازمانهای با یکدیگر هماهنگ شده و از دوباره کاری جلوگیری بعمل آید).

ارزیابی و کنترل برنامه ها و فعالیت های بخش عمومی، نقش دیگر می باشد. (خط مشی به عنوان

شاخص و معیاری برای سنجش و ارزیابی و کنترل عمل می نماید).

نقش دیگری که خط مشی در جامعه ایفا می نماید، تأمین و تضمین منافع عامه است.

نفع عمومی:

نفع عمومی: عبارت است از منافع افراد و آحاد جامعه که براساس جریانی مانند قانون اکثریت، نظام پارلمانی و غیره مورد بررسی قرار گرفته و به صورت خاص بیان می شود.

نفع عمومی لزوماً مجموع منافع تمامی افراد جامعه نیست بلکه در حالت ایده آل مصلحتی است که جمع کثیری در جامعه از آن سودمی برند.

ویژگی های خط مشی عمومی

(۱) پایداری خط مشی عمومی: (انعطاف پذیر باشد، پویائی لازم را داشته باشد.)

خط مشی عمومی باید بتواند با محیط متغیر و متحول تطبیق یافته و به نیازهای گوناگونی در طول زمان پاسخ دهد.

(۲) آینده نگری واقع بینانه: واقعیت های زمان و مکان را در نظر داشته و از اغراق در امکانات یا نادیده انگاشتنی امکانات موجود خودداری ورزد.)

باید واقعیت های زمان و مکان را در نظر بگیرد و از اغراق در امکانات یا نادیده انگاشتن امکانات موجود خودداری ورزد.

(۳) هدف دار بودن (به طور ارادی و به سوی هدفی خاص جهت داشته باشد.)

(-۴) عام بودن: (برای کل جامعه وضع شود.)

(۵) فراگیری (اهداف متعدد را تحت پوشش قرار دهد.)

خط مشی های عمومی جزئی و خاص نبوده و حیطه های وسیع را در می گیرد.

(۶) مظهر بودن: (فرهنگ، ارزش، ایدئولوژی و جهان بینی، نگرشی های اقتصادی، سیاسی و... در خط مشی نمود داشته باشد.)

انواع خط مشی عمومی:

تقسیم بندی براساس قوای سه گانه که شامل:

الف) خط مشی های تقنینی، که به وسیله قوه مقننه و مجلس وضع می گردند.

ب) خط مشی های اجرائی: که به وسیله قوه مجریه وضع می شوند.

ج) خط مشی های قضائی که به وسیله قوه قضائیه وضع می گردند.

در یک طبقه بندی دیگر سه نوع خط مشی عمومی یا سیاست داریم:

الف) سیاست تشریعی (امرونی ها و حقوق و تکالیف که از مکتب و معنویات سرچشمه می گیرد.

ب) سیاست تحلیلی (دانش که اصول مقرر سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

ج) سیاست تدبیر و اجرائی (که عبارت است از، هدف های که اداره کنندگان جامعه بر مبنای سیاست

تشریعی: آن را برنامه ریزی و سازماندهی می کنند.)

صاحب نظر دیگری خط مشی عمومی را به دو گروه کلی خط مشی های سیاسی و تقنینی و خط

مشى هاى ادارى و اجرائى تقسيم نموده است.

خط مشى هاى عمومى، براساس پيچيدگى و سادگى به سه دسته تقسيم مى شوند:

(الف) خط مشى عمومى عادى، (تكرارى، ساده)

(ب) خط مشى هاى عمومى تاكيتكى (پيچيده و گسترده)

(ج) خط مشى هاى عمومى اساسى (چشم انداز زمانى طولانى و سايل اساسى و جامعه راشامل مى شود).

دريک طبقه بندى ديگر خط مشى هاى به :الف) خط مشى هاى عمومى سياسى (نحوه انتخاب نمايندگان)

(ب) خط مشى هاى عمومى توزيعى (پرداخت سوبسيد به کشاورزان)

(ج) خط مشى هاى عمومى توزيع مجدد (ماليات تصاعدى بردرآمد)، تقسيم مى شوند.

خط مشى هاى :فراگير، هادى و خط مشى هاى عمومى.

فراگير: يابرخط مشى، جنبه كل دارند.

هادى :شيوه خط مشى گذارى رادرجامعه تعيين مى سازدو به عبارتى، خط مشى هاى خط مشى گذارى مى باشد

وخط مشى عمومى، خطوط اصلى و جهت گيرى هاى كلى اقدامات بخش عمومى را بيان مى کنند.

خط مشى هاى تصريحى وتلويحى نوع ديگرى از خط مشى هاى عمومى مى باشند.

تلويحى :مكتوب و مدون نبوده و رسمائيز اعلام نگرديده است اما همگان از آن باخبرند.

تصريحى :مدون و صريح مى باشند.

به كمك خط مشى عمومى مى توانيم برنامه ها و فعاليت ها را محك زده و بيازماييم. اين نقش كنترل كننده و ارزياب خط مشى عمومى است.

آينده نگرى واقع بينانه جزو ويژگيهاى خط مشى عمومى است.

جلوگيرى از تبليغات سوء جزو خط مشى هاى بازدارنده است.

فصل دوم:

فرآيند عقلايى خط مشى گذارى عمومى:

استفاده درست از منابع و امكانات براى تحصيل بهترين نتيجه جهت تحقق آرمانها. خط مشى گذران با بهره گيرى از فرآيند عقلايى خط مشى گذارى، با ترازوى عقل ومنطق گزينه هاى مختلف رامى سنجد وبهترين را انتخاب مى کنند. (فرآيند عقلايى)
نارضائيتى

رضایت

نقش مدل ها در فرآیند عقلانی خط مشی گذاری عمومی یکی از تدابیری که در فرآیند عقلانی خط مشی گذاری به منظور شناخت بهتر و ساده تر عوامل و متغیرهای موجود در مسأله مورد تصمیم کاربرد دارد، مدل یا الگوست. مدل: عبارت است از الگویی که از واقعیت گرفته شده و رابط بین متغیرها را نشان می دهد. انواع مدل ها:

۱- مدل های کلامی (به صورت نوشتار، عبارات و جملات)

۲- مدل های ترسیمی

(روابط بین متغیرها را در قالب نمودار و اشکال نشان میدهد.)

۳- مدل های تجسمی

(سه بعدی، مانند ماکت یک ساختمان)

۴- مدل های ریاضی

(روابط ریاضی بین متغیرها را نشان می دهد)

از نظر عملکرد، مدل ها به ۳ دسته (تشریحی - پیش بین و تجویزی) تقسیم می شوند و از نظر زمانی مدل ها به پویا و ایستا تقسیم می گردند.

مدل تصمیم گیری مقطعی: هنگامی که سیاست گذار با پدیده های جدید که اطلاعات اندکی درباره آنها وجود دارد روبرو می شود، مدل تصمیم گیری مقطعی با اجرای هم زمان کاربرد مفیدی دارد

تصمیم گیری

تصمیم گیری در شرایط مختلف اطمینان سه گروه میباشد.

۱- تصمیم گیری نوع اول

تصمیم گیری در شرایط اطمینان

نوع دوم

تصمیم گیری در شرایط ریسک یا مخاطره

نوع سوم

تصمیم گیری در شرایط عدم اطمینان

در شرایط اطمینان کامل خط مشی گذار بر اساس اطلاعات موجود می داند که نتایج حاصل از هر سو ممکن چیست.

در شرایط ریسک یا مخاطره آمیز تصمیم گیرنده با اطمینان کامل نمیداند که نتایج حاصل از هر

خط مشی چیست ولی احتمال وقوع آنها را میداند.

در شرایط عدم اطمینان خط مشی گذاری مشکل بوده و از سه شیوه استفاده میشود.

۱- شیوه انتخاب حداکثر حداکثرها:

بهترین نتیجه از بهترین نتایج شقوق ممکن. این شیوه خوشبینانه است.

۲- شیوه انتخاب حداکثر حداقلها:

در این شیوه فرض می شود که برای راه حل های ممکن بدترین نتیجه در شرایط محیطی مورد نظر حاصل خواهد شد.

۳- شیوه انتخاب با فرض احتمال یکسان:

در این شیوه احتمال برای شرایط مختلف یکسان فرض شده و بر اساس ارزش مورد انتظار تعیین خط مشی می گردد.

طراحی نظام خط مشی گذاری عمومی: در طراحی نظام خط مشی گذاری عمومی باید مراحل زیر را طی نمائیم:

۱- شناخت ارزش ها و اولویت بندی آنها براساس اهمیت.

۲- شناخت واقعیات و امکانات محدود جامعه.

۳- شناخت مسایل و تنگناهای عمومی

۴- مطالعه امکانات بالفعل و بالقوه جامعه.

۵- ارزیابی نظام خط مشی گذاری موجود

۶- تعیین واحدهائی که می توانند وظیفه خط مشی گذاری را عهده دار باشد.

۷- تعیین رویه کلی خط مشی گذاری.

وضع خط مشی های واقع بینانه مستلزم آگاهی از واقعیتهای جامعه است.

درخت اخذ تصمیم را شیوه تجزیه و تحلیل پیشگرمیز نامیده اند.

مدلهای تجویزی:

مدلهایی هستند که بهترین پاسخها را برای حل مسال در اختیار تصمیم گیرنده قرار می دهند.

اولین مرحله در طراحی نظام خط مشی گذاری عمومی شناخت ارزشهاست.

فصل سوم:

فرآیند عقلانی تعدیل شده در خط مشی گذاری عمومی:

- شیوه تغییرات تدریجی: تصمیم گیرنده به تصمیماتی که قبلاً مورد نظر گرفته شده و او نسبت به

نتایج آن آگاهی دارد مراجعه کرده و با توجه به نیازهای موجود تغییرات جزئی در آن بوجود

می آورد. میزان مخاطره در این بسیار کم است.

کارپیش بینی بسیار آسان می سازد. امکان ارزیابی و اصلاح تصمیمات در این مدل ساده است. به مدل تغییرات تدریجی و جزئی انتقادات فراوان شده است.

چرا که در وضع حاضر تصمیم گیرندگان با شرایط متغیر و متحولی روبرو هستند که صرفاً با تغییرات جزئی نمی توان برای آنها تصمیم گیری کرد.

- مدل رضایت بخش: (satisfing model)

در این مدل تصمیم گیری، هدف یافتن راه حلی رضایت بخش در شرایط موجود است نه بهترین راه محدودیت های منابع، زمان و اطلاعات و بینش مدیر و تصمیم گیرنده در اغلب موارد راه دیگری جز این مدل برای تصمیم گیری باقی نمی گذارد.

- مدل اکتشافی - ابداعی: ((Heuristic model نوعی مدل تعدیل شده عقلانی است.

هدف در جهت بهینه سازی جزئی است. بعبارتی دیگر نوعی برخورد رضایت بخش در راه حل یابی دنبال میشود و از طریق سعی و خط و حدس و گمان برای رسیدن به راه حل تلاش می کند (مانند هوش مصنوعی) این مدل با دنیای واقعیات تطبیق بیشتری دارد.

هدف در جهت بهینه سازی جزئی است. بعبارتی دیگر نوعی برخورد رضایت بخش در راه حل یابی دنبال میشود و از طریق سعی و خط و حدس و گمان برای رسیدن به راه حل تلاش می کند (مانند هوش مصنوعی) این مدل با دنیای واقعیات تطبیق بیشتری دارد.

مراحل مختلف شیوه عقلانی

مرحله اول:

تشخیص مساله

مرحله دوم:

احصاء شقوق ممکن

مرحله سوم:

انتخاب معیار و ارزیابی راه حلها

مرحله چهارم:

انتخاب بهترین راه حل

مرحله پنجم:

اجرا و بازخور خطمشی

مراحل مختلف شیوه تغییرات جزئی

مرحله اول:

تشخیص مساله

مرحله دوم:

جستجو برای راه‌های مشکل‌در گذشته

مرحله سوم:

انجام تغییرات جزئی در راه‌ها

مرحله چهارم:

ارایه خط‌مشی جدید

مرحله پنجم:

اجرا و بازخور خط‌مشی در عمل

مرحله ششم

تحقق کلیه توصیه‌های فرایند عقلایی کاملاً غیر ممکن است.

اطلاعات انبوه در فرایند عقلایی خط‌مشی‌گذاری خود نوعی مانع به شمار می‌آید.

مدل تغییرات جزئی کارپیش‌بینی را ساده می‌سازد.

در شیوه تغییرات جزئی خط‌مشی‌گذار به اندیشه و تفکر خلاق نمی‌پردازد و روح محافظه

کاری بر وی غلبه می‌کند.

طرفداران شیوه تغییرات جزئی در خط‌مشی‌گذاری همان پیروان شیوه عقلایی-عقلای تعدیل

شده هستند.

در برنامه ریزی اکتشافی-ابداعی قایده ساده در نظر گرفته شده و دایما مقایسه‌هایی انجام می

پذیرند و پاسخهای صحیح و خطا مشخص می‌گردند.

مهمترین تفاوت بین شیوه عقلایی و شیوه تغییرات جزئی جستجوی راه‌ها در آینده و در

گذشته است.

فصل چهارم

نقش قدرت در فرآیند خط‌مشی‌گذاری

قدرت:

، توانائی تأثیر گذاران بر جریان امکانات و منابع به سمت یک سلسله اهداف مورد نظر که برخلاف

اهداف دیگر است بیان گردیده.

در تعریف دیگری:

، قدرت موقعیتی است که فرد بتواند اراده و نظر خود را به دیگران بقبولاند.

از سوی دیگر می‌توان گفت:

، قدرت: توانائی تغییر در رفتار دیگران و نفوذ در آنان است

اختیار:

حق تغییر و نفوذ بردیگران است و منشأ قدرت است.

از نقطه نظر خط مشی گذاری:

اعمال قدرت به معنای نفوذ بر نحوه تصمیم گیری ها، جهت دادن به تصمیمات و تأثیر در وضع خط مشی های عمومی است.

منابع قدرت:

قدرت ناشی از مقام سازمانی و اداری و منزلت سیاسی -

قدرت ناشی از تخصص -

قدرت ناشی از اجبار و ترغیب دیگران.

گروههای ذی نفوذ در جامعه با حمایت خود در خط مشی گذاری مؤثر واقع می شوند که این نمونه ای از بکارگیری قدرت ترغیب و اجبار است.

شیوه ماوراء عقلانی تصمیم گیری:

وقتی تصمیم گیری بر اساس خصوصیات و ویژگیهای فردی (از منابع قدرت) گرفته شود. اصطلاحاً آن را تصمیم گیری به شیوه ماوراء عقلانی گویند.

در این روش تصمیم گیری مبتنی بر شهود و دریافت های ذهنی تصمیم گیرنده اتفاق می افتد، بدون آنکه روش های منظم عملی دنبال شود.

نظریه خبرگان قدرتمند یا طبقات بانفوذ (Power Elite):

در این نظریه جامعه به ۳ طبقه نخبگان - متوسط و طبقه سوم تقسیم می گردد.

نظریه جامعه مرکب (Pluralist society):

جامعه مرکب، جامعه ای است که در آن تمامی طبقات و گروههای مختلف موجود در جامعه در خط مشی گذاری مؤثرند و هیچ طبقه ای بر طبقه دیگر سلطه ندارد.

مدل گروهی

(Group model)، بیان دیگری از نظریه جامعه مرکب است. در مدل گروهی طبقات و

گروههای مختلف در جامعه با یکدیگر در ارتباط و تعامل بوده و خط مشی گذاری حاصل فشار و نیروهائی است که از سوی این گروه ها برهم وارد می شود. مساوات و برابری در خط مشی گذاری در این مدلها مطرح می باشد.

گروههای ذی نفع و خط مشی گذاری: (Interest Group):

گروههائی هستند که هدف و مقصود مشترکی را دنبال کرده و نفوذ و قدرت مسلطی را در یک

زمینه دارامی باشند. این گروهها جزء ساختار رسمی دولت نمی باشند.

انواع مختلف گروههای ذی نفوذ عبارتند از:

۱- محض

۲- نسبی

۱- گروههای ذی نفوذ محض:

اختصاصاً در قلمروی سیاست عمل می نمایند و بر قوای بخش عمومی نفوذ می نمایند.

- گروههای ذی نفوذ نسبی:

آن است که فشار سیاسی فقط بخشی از فعالیتهای آن باشد و یا اینکه علل وجودی وزمینه های فعالیت دیگری داشته باشد.

- گروههای ذی نفوذ خصوصی و عمومی:

در ابتدا مفهوم گروههای ذی نفوذ به گروههای خصوصی اطلاق می شد اما بتدریج

مفهوم گسترده تری پیدا کرد و گروههای عمومی رانیز دربر گرفت.

- گروههای ذی نفوذ داخلی و خارجی:

گروههای ذی نفوذ داخلی:

به گروههای ملی اطلاق می شوند که در درون کشور فعالیت دارند.

و گروههای ذی نفوذ خارجی:

در یک کشور خارجی بر اوضاع و احوال داخل کشور تأثیر می گذارند. و یا به صورت یک

سازمان بین المللی بر کشور اعمال نفوذ می نمایند.

۵- گروههای ذی نفوذ عوام و خواص:

عوام: در پی گرد آوری تعداد هر چه بیشتر اعضا می باشند

خواص: در پی کمیت نیستند بلکه به دنبال کیفیت می باشند. خطاب آنان به سرشناسان اجتماعی

وبه خواص است.

خواص: در پی کمیت نیستند بلکه به دنبال کیفیت می باشند. خطاب آنان به سرشناسان اجتماعی

وبه خواص است.

طبقه نخبگان تعدادشان نسبت به کل جامعه محدود می باشد و خطمشی به وسیله آنان انجام می

پذیرد.

رهبران سیاسی در دایره اولیه در خط مشی گذاری و مردم عادی در دایره های خارجی و دور

از مرکز قرار دارند.

در تمامی جوامع نفوذ طبقات اجتماعی در خط مشی گذاری عمومی یکسان نیست.

پیام نظریه جامعه مرکب و مدل گروهی تصمیم گیری آن است که طبقه خاصی در خط مشی گذاری عمومی به تنهایی موثر نیست.

دفاتر فنی و سازمانهای خبری جزء گروه های ذی نفوذ به شمار می آیند. تعامل قدرت بین صاحبان نفوذ در جامعه به وضع خط مشی ها می انجامد. گروه های ذی نفوذ می توانند اطلاعات را در اختیار تصمیم گیرندگان دولتی قرار دهند و موجبات اعمال نفوذ خود را فراهم آورند.

فصل پنجم:

فرآیند سازمانی خط مشی گذاری عمومی (مدل گردونه ای): **Wheel model** :
در این مدل، تأکید و سازمانهای قانونی موجود در جامعه بوده و خط مشی ها حاصل عملکرد این نهادها در ارتباط با یکدیگر قلمداد می شوند.

در این مدل، مرجع و سازمان در خط مشی گذاری به عنوان فرآیندی سازمانی مؤثرند. این مراجع عبارتند از: رئیس جمهور - احزاب سیاسی - قوه قضائیه - قوه مجریه - قوه مقننه و...

شکل شماره ۱-۵: مدل گردونه ای

شکل شماره ۱-۵) مدل جدید سازمانی خط مشی گذاری

خط مشی های توزیعی:

مستقیماً منافع افراد خاصی را تأمین می کنند و هدف جهت دادن به عملکرد افراد و گروههای خاصی است

خط مشی های سیاسی:

عملکرد کل نظام موجود در جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد

خط مشی های بازدارنده و انضباطی:

جنبه فردی داشته و دولت با کنترل عملکرد فرد یا گروه خاصی منافع جمع را تأمین می کند.

خط مشی های توزیع مجدد: در این نوع

فرد خاصی مد نظر نمی باشد و کل نظام مورد توجه می باشد.

انواع بروکراسی ها:

۱- بروکراسی هائی که به وسیله قدرت حاکم شکل گرفته اند و ابزار قدرت حاکمان جامعه می باشند.

۲- بروکراسی هائی که تحت انقیاد قدرت نظامی بوده و به وسیله نظامیان اداره می شود.

۳- بروکراسی قانونی - تخصصی:

که به وسیله قدرت تخصصی و قانونی خود در خط مشی گذاری اثر می گذارد

۴- بروکراسی های نماینده:

که در هیأت سیستم پارلمانی وقوه مقننه در تصمیم گیری های سیاسی مستقیماً مؤثر می باشد.

۵- بروکراسی های حزبی:

، که اغلب ناشی از به قدرت رسیدن یک حزب در کشور می باشد.

ویژگی های فرآیند سازمانی خط مشی گذاری عمومی:

محدودیت و ناتوانی سازمانها در اتخاذ خط مشی های بغایت عقلانی است . تغییرات جزئی و تدریجی

نقدی بر سیستم نمایندگی:

اصولاً برای مشارکت عامه مردم در خط مشی گذاری می توان به دو روش اشاره نمود

۱- روش مستقیم (Citiprocess)

۲- روش غیر مستقیم (Proxiprocess)

۱- در روش مستقیم:

، شهروندان مستقیماً در سرنوشت خود مشارکت می جویند

۲- در روش غیر مستقیم:

مردم نمایندگی را برمی گزینند و آنان به نمایندگی از طرف مردم به تدوین قوانین و خط مشی های مختلف اقدام می کنند.

نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر عهده مقام رهبری است. جلوگیری از کاهش کیفیت کالاها به وسیله دولت در قالب خط مشی های بازدارنده متبلور می گردد.

دلیل عمده استفاده از روش مستقیم خط مشی گذاری افزایش جمعیت است.

محدودیت های سازمانها در تصمیمگیری و تعیین خط مشی به شیوه عقلایی:

محدودیت دوم:

۲- عدم وجود نیروی تخصص لازم

محدودیت سوم:

۳- عدم وجود وقت بی حد و حصر است.

فصل ششم:

فرآیند اقتضائی (Contingency) خط مشی گذاری عمومی

دیدگاه اقتضائی در تصمیم گیری و خط مشی گذاری برگرفته از تفکر سیستمی است.

براساس تئوری اقتضائی بهترین راه برای انجام امور وجود ندارد بلکه بهترین هادر هر موقعیتی متفاوت است.

وبطور خلاصه:

، شرایط و موقعیت عامل تعیین کننده درانتخاب شیوه مطلوب خط مشی گذاری است . و فاصله بین تئوری و عمل کاهش می یابد.

شکل شماره ۱-۶) محیط های موثر بر خط مشی گذاری
هر یک از محیط ها با توجه به موضوع خط مشی در انتخاب الگو و شیوه مناسب تأثیر می گذارد و خط مشی گذار باید با توجه به اثرات این عوامل به انتخاب شیوه مناسب اقدام کند
الگوی اقتضائی بخشی:

دراین مدل هر بخش از جامعه در امر خط مشی گذاری یا نفوذ بر خط مشی گذاری با استفاده از شیوه خاص وارد عمل می گردد.

و از طرفی دیگر باید گفت مجموعه ای از فرایندها به همراه هم برای تعیین خط مشی های عمومی در جامعه کار می کنند.

شکل شماره ۲-۶) خطمشی گذاری حاصل فرایندهای مختلف
یک فرآیند معین در خط مشی گذاری مناط اعتبار نیست . فرآیندهای مختلف در شرایط گوناگون مورد استفاده واقع می شوند
مدل اقماری خط مشی گذاری

این مدل (اقماری)، برخوردی اقتضائی را دربرداشته و جزء مدل های اقتضائی است.
خط مشی گذاری درموارد مختلف مراجع و سازمانهای متفاوتی نقش محور و عوامل مؤثر یا اقمار را ایفا می کنند

مدل چند بعدی خط مشی گذاری:
فرآیند خط مشی گذاری فرآیندی پیچیده و چند بعدی است که عوامل متعددی در آن ذی مدخل هستند.

فرآیند چند بعدی خط مشی گذاری از یکدیگر جدانیستند.
آنها به نوبه خود بر یکدیگر تأثیر می گذارند و از هم تأثیر می پذیرند. دراین مدل عامه مردم مستقیماً در جریان تعیین خط مشی های عمومی نقشی ندارند.
مدل بررسی تلفیقی:

دراین مدل تلفیق بین شیوه های مختلف خط مشی گذاری بعمل می آید و ضمن استفاده از نقاط برخی از مدل ها از نقاط ضعف آنها احترازی می شود.

در این مدل پدیده ها در دو سطح مورد معامله قرار می گیرند یکی در سطح گسترده کلیات مورد مطالعه قرار می گیرد و دیگر بررسی با دید منطقی و جزئی.

این روش، شیوه ای اقتضائی است که همه خصایص را در شرایط معینی کسب می کند و در شرایط دیگری رهامی سازد.

مدل جریانها - دریچه ها: (and The streams):

Windows model

سه جریان در این مدل مطرح است:

۱- جریان مسایل و مشکلات (نظر خط مشی گذار به مسایل و مشکلات جامعه معطوف می گردد و از مجاری گوناگون برای خط مشی گذار محسوس و معلوم می گردد)

الف: جریان مشکلات محسوس در جامعه

۱- مشکلی مطرح شده است ۲- مساله تعرف میشود ۳- مسایل مطرح یا فراموش میشوند

ب: جریان سیاسی حساس نسبت به مشکلات

۱- مسایل بوسیله مراجع ذیربط احصا میشوند ۲- بین اعضا توافق بعمل می آید

ج: جریان یقین خطمشی مطلوب

۱- راه حل برای رفع مشکل ۲- ارزیابی راه حل

۳- توافق بین اعضا

۲- جریان سیاسی (صورت مسایل که باید حل شوند به وسیله مقامات دولتی و رسمی تنظیم می گردد).

۳- جریان خط مشی : (Policy stream) در این جریان راه حل های مختلفی که خط مشی باید از میان آنها انتخاب گردد، تنظیم می شود.

محققان - متخصصان و گروه های حرفه ای نقش عمده ای در جریان مذکور ایفا می کنند.

در این روش استدلال های منطقی و عملی اساس کار را تشکیل می دهد.

زمانی که این سه جریان با هم تلاقی می کنند، دریچه ای برای حل مشکل مورد نظر از طریق اتخاذ تصمیم گشوده می شود

دریچه حل مشکلات زمانی باز می شود که مشکلی به صورت جدی خود نمائی کرده (جریان

یکم)، از نظر سیاسی مطرح شده (جریان دوم) و راه حل هائی برای آن ارائه گردیده

است (جریان سوم).

در این مدل تعقل، منطق، سیاست و پیوندهای سازمانی مطرح و با یکدیگر تلفیق می شوند.

در این مدل تعقل، منطق، سیاست و پیوندهای سازمانی مطرح و با یکدیگر تلفیق می شوند.

آگاهی از مسایل عمومی در شیوه اقتضائی:

مدیریت مسایل عمومی شیوای راست که به وسیله آن سازمانها قادر می گردد تا مسایل عمومی و اجتماعی اطراف خود را که بر آن تأثیر می گذارند شناسائی و ارزیابی کند و در مقابل آنها پاسخ های مناسبی ارائه دهد.

مدیریت مسایل عمومی، پیش درآمد و مقدمه لازم برای خط مشی گذاری به شیوه اقتضائی است.

هدف مدیریت مسایل عمومی آن است که برای مشکلات پاسخ مناسب بیاورد.

مدیریت مسایل عمومی مقدمه خط مشی گذاری عمومی است.

تخصص وسیله ای است که کارشناسان برای تأثیر در خط مشی گذاری عمومی از آن بهره می گیرند.

دیدگاه اقتضایی برگرفته از تفکر سیستمی است.

اصطلاحات پوشش وسیع و دید مقطعی در توصیف مدل بررسی تلفیقی بکار رفته است.

آگاهی از مشکلات در مدیریت مسایل عمومی به معنای شناخت مشکلات و تلاش در حل آنهاست.

هدف مدیریت مسایل عمومی شناخت مسایل عمومی است.

فصل هفتم

دیدگاههای ارزشی خط مشی گذاری عمومی

مشورت و تصمیم گیری: سعی و تلاش در جهت آشکار نمودن و ظاهر ساختن امر خوب و نیکوئی که پنهان و مخفی بوده و عرضه نمودن نتیجه این تلاش و کوشش به دیگران مشورت، مفاوضه و مبادله در کلام است (رایزنی) تادرسایه آن کلام و اندیشه، حق آشکار گردیده بدست آید.

روش های تصمیم گیری گروهی:

یکی از تکنیک هائی که برای خط مشی گذاری بطور گروهی و از طریق مشورت ابداع شده «سمینار تصمیم گیری» نام دارد.

این تکنیک امکان می دهد تا یک گروه از متخصصان دانش و آگاهی خود را به منظور انتخاب یک خط مشی مطلوب در شرایط پیچیده بکار گیرند.

و هدف آن، تبدیل مشکل به الفاظ و مفاهیمی است که قابل درک بوده و یافتن راه حل های اصلاحی را تسهیل می کند.

سمینار تصمیم گیری، نگرشی همه جانبه، چند بعدی، انعطاف پذیر و آینده نگر است و موجبات بهبود خط مشی گذاری را فراهم می آورد.

روش گروه اسمی یا کاغذی (Nominal or paper) :

مشکل فشار گروهی که یکی از عوارض تصمیم گیری جمعی است غلبه می کند. روش گروه اسمی و دلفی تلاش است در جهت استفاده از مزایای تصمیم گیری گروهی و کاستن از مشکلات ناشی از فشار گروهی.

اعضاء دور یکدیگر جمع می شوند و مسأله را مطرح می کنند و افراد مستقلاً نظرات خود را اعلام می نمایند پس از آن نظرات جمع آوری می شود و روی تابلو در معرض دید همگان قرار می گیرد.

روش دلفی:

گروهی برای تصمیم گیری در یک مورد خاص انتخاب شده و طی پرسش نامه ای نظرات آنان در موضوع تصمیم پرسش شده مطرح می گردد. در این روش اعضاء تلاش می کنند تا با آینده نگری به اخذ تصمیمی موفق نایل گردند

ارزش های تصمیم گیری:

تصمیم، حاصل انتخاب یک گزینه از میان گزینه های مختلف است.
در تصمیم گیری دو نوع معیار وجود دارد.

۱- معیارهائی که منتهی بر تعقل ابزاری و کارکردی هستند (instrumental)

در این معیار، رابطه با هر رویدادی فایده و سودی را دنبال می

کنند (کارائی - سوددهی و...)

- تعقل جوهری یا ارزشی (Substantive or Value rationality)

به دنبال بصیرت و خیر خواهی و مصلحت آدمی است حتی اگر هدف بازدهی اقتصادی در پی نداشته باشد. در این جا جنبه اخلاق مقدم بر جنبه های مادی است.

در تصمیم گیری جمعی و مشورتی دید تصمیم گیرنده نسبت به موضوع وسیعتر می گردد.
توکل:

عبارت است این است که انسان زمام تصرف در امور خود را به دست غیر خود دهد.
مشورت هایی که به منظور دستیابی به رای و نظر صورت می گیرد از نوع مشورت در معانی است.

از دیدگاه اسلام مستشاران باید:

۱- عقل - خرد - ایمان و تقوا داشته باشند.

۲- مجرب - ناصح و خیر خواه باشند.

۲- ترسو و حریص نباشند.

تصمیم گیری مشورتی از نظر زمانی وقت بیشتری را طلب میکند.

در راه رسیدن به هدف و مقصود پس از فراهم آمدن اسباب طبیعی چه عواملی ممکنست سد راه انسان شود؟

۱- سستی اراده و بیخردی

۲- غضب-

سفاهت و ترس

۳- اندوه و بد بینی

زمانیکه تصمیم به گیرنده از مخاطرات تصمیم بیمناک میشود چه عاملی به او یاری میدهد؟

توکل خدای سبحان

فصل هشتم:

مشکلات و تنگناهای خط مشی گذاری عمومی:

۱- عدم تمایل به آینده نگری و گرایش به نتایج زودرس

۲- جزءنگری و یک بعدی شدن در تصمیم گیری (فقدان دید کلی نگروهمه جانبه)

۳- نارسائی های اطلاعاتی در تصمیم گیری (عدم وجود یک پایگاه معتبر اطلاعاتی که تصمیم

گیرندگان رادراخذ تصمیمات صحیح یاری دهد)

۴- گرایش به ساده انگاری و ساده جوئی (زمانی که مشکل در جامعه پدیدار می شود خط مشی

گذاران به ساده تر جنبه آن چشم دوخته و در رفع آن به وضع قانون وضابطه می پردازند.)

اعمال نظر شخصی در تصمیم گیری و اتکاء بیش از حد بر تجربیات فردی

عدم تمایل به اجرای آزمایشی خط مشی و فقدان بازخورد فرآیند خط مشی گذاری

۷- عدم تمایل به تصمیم گیری (به دلیل عدم وجود فضای حمایتی برای تصمیم گیرندگان ،عدم

وجود ستادهای پشتیبانی تخصصی و اطلاعاتی برای کمک به تصمیم گیرندگان ، نارسائی فنی و

تخصصی،عدم وجود همکاری بین مراجع علمی و فنی با تصمیم گیرندگان)

۸- انعطاف ناپذیری تصمیمات (زائیده تفکر تصمیم گیرندگان نسبت به محیط و مجریان است

۹- خط مشی های صوری و ظاهری (خط مشی هائی که صرفاً جنبه تبلیغاتی و ظاهری داشته و

برای جلب نظر و حمایت مردم طراحی شده اند)

۱۰- عدم آگاهی عامه مرده و احساس بی نقشی آنان در خط مشی گذاری (یکی از عمده ترین

تنگناهای خط مشی گذاری،ناآگاهی عامه مردم و عدم حضور آنان در خط مشی گذاری است.

جامعه در خواب رفته و بی بصیرت ،جدا از نظامی که برای او خط مشی وضع می کند به زندگی

خود ادامه می دهد و این جدائی مشکل اساس در خط مشی گذاری مؤثر می باشد.

اگر اطلاعات مربوط به گذشته باشد تصمیمگیرنده با فقدان اطلاعات بهنگام روبروست.

پیچیدگی تصمیم گیری های دور نگر عاملی است که تصمیم گیرندگان را به اخذ تصمیماتی با نتایج زودرس سوق می دهد.

ارزش و اعتبار تصمیمات و خط مشی به اندازه اعتبار اطلاعات جمع آوری شده برای آنهاست.

اتکاء صرف بر اطلاعات و گزارشهای رسمی و غفلت از دریافت نظرات عامه مردم موجب ضعف تصمیمات و خط مشی های متخذه میگردد.

خط مشی های صوری آنهایی هستند که صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته و برای جلب نظر و حمایت مردم طراحی شده است.

خط مشی های عمومی باید از نظرات و خواسته های مردم نشأت گیرند و به نیازهای آنان پاسخ دهند.

نا آگاهی و جهالت مردم یکی از دلایلی است که آنها را از دایره خط مشی گذاری به کنار مینهد.

اگر تصمیم گیرنده عوارض و مشکلات را با اصل آنها یکی انگارد دچار گرایش به ساده انگاری و ساده جویی در تصمیمگیری شده است.